

#### میدون و سوفیا

#### حمله به آب‌های ژرف!

● **بوريا عالمي**: ملت فکر می‌کند «پروژه» اختراع دانشمندان معاصر است، اما از قدیم بوده؛ مثلاً می‌گویند یکی به یکی پروژه داده بود که چاه بکند و به آب برسد. رفقا و واحد روابط‌عمومی طرف، طوری داشتند مصاحبه می‌گرفتند و گزارش می‌دادند که انکار این چاه تنها چاه جهان است و آب طرف بهترین آب جهان.

خلاصه سال‌ها گذشت و این هرجی می‌کند به آب نمی‌رسید، تا اینکه رسانه‌ها علیه چاه‌کن پرونده رفتند که چاه‌کن دارد بیت‌المال را هبلی‌هپو می‌کند. بعد از رسانه‌ها، در توئیتر ملت فحش را کشیدند به چاه‌کن. چاه‌کن هم عصبانی شد و گفت: «والا بلا من پروژه گرفت‌م که چاه بکنم. حالا به آب نمی‌رسه تقصیر منه؟ این‌همه پروژه توی مملکت به ته نرسیده، الان همه گیر دادید به من؟» بعد چاه‌کن مجبور شد صفحه اینستاگرامش را ببندد، چون زامبی‌ها بهش حمله کردند. بعد چاه‌کن رفت پیش آن آقایی که ازش پروژه گرفته بود و دید آقا‌هه الان به‌عنوان مقام مسئول فقط کارهای فرهنگی می‌کند و هی دعوتش می‌کنند تاتر. جای آقا‌هه یک آقازاده نشست‌ه بود. چاه‌کن گفت: آقا این‌ چاهی که ما چندساله می‌کنیم به آب نمی‌رسه‌ها. آقازاده گفت: آب نداره. برای من و تو که نان داره.

چاه‌کن متقاعد شد.

از آن‌طرف ما و صنعتگران و کشاورزان و مسئولان دست به دست هم دادیم به مهر و عملاً چیز شد توی آب؛ یعنی دریاچه‌ها و رودخانه‌ها خشکیدند و سفره‌های زیرزمینی به فال رفت؛ یعنی فالش را گرفتند خوب نیامد! اما نگران نباشید. بودجه هرکجا باشد، یک ایرانی آقا و دلسوز می‌تواند به دستش بیاورد. چطوری؟

این‌طوری که دانشمندان ما نگاه کردند دیدند آبی روی زمین و سفره‌های زیرزمینی نمانده برای ما و آیندگان که چیزش کنند. بررسی کردند دیدند «آب‌های ژرف» از دستشان در رفته. برای همین با بودجه ۳۰ میلیاردتومانی دکان جدید راه افتاده و قرار است حمله کنیم به آب‌های ژرف در چهارهزار متر زیر زمین. خسته نباشید.

**جمع‌بندی**: سوفیا... عشقم... همیشه برای من سؤال بوده قطعی آب سبب شده کار ما به اینجا بکشد؟ یا مسئولان و مدیران و پروژه‌بگیران ما هر کاری می‌کنند و بودجه را هبلی می‌کنند، بعد عاشق ژرف تو؛ میدون دوم

#### روایت ما

#### تبریک‌های پردرد برای روز خبرنگار

● روز خبرنگار امسال هم آمد و گذشت، با مرور در شبکه‌های اجتماعی درمی‌یابیم که چه میزان کار سخت و دشوار است و چه انتظاراتی وجود دارد و البته چه حجم دشنام و تهمت رواج دارد. صفت‌های متعددی داریم مانند جیره‌خورها، فتنه‌گراها، دست‌نشانده (غرب، شرق، حکومت، دولت، رژیم و...)، مزدورها، بی‌پولی‌ها و البته با توصیف دقیق یعنی فحش‌خورها و همیشه گناهکارها، کسانی که از امنیت ملی سرشته‌ای ندارند و به‌خاطر انعکاس سخنان مسئولان مدام آن را به خطر می‌اندازند. روز خبرنگار امسال هم با تبریک اهالی سیاست، دوستان، همکاران و... همراه بود. بعضی از تبریک‌ها دلنشین بود؛ مثل تبریک احمد مسجدجامعی و سپنتا نیکمان. بعضی از تبریک‌ها را می‌دانستی مشاور مطبوعاتی وزیر و وکیل نوشته است و الحق هم خوب راهنمایی کرده بودند. بعضی از تبریک‌ها با قدرت‌نمایی مسئولان و سیاست‌مداران همراه بود تا یادوری کنند قدرت و قیچی دست چه کسانی است. بعضی از تبریک‌ها نفرت‌انگیز بود مثل آنهایی که زنگ می‌زدند تا شماره کارت بگیرند. بعضی تبریک‌ها یک مرحله فراتر از قیاحت را طی می‌کرد؛ مثل آن معاون و مسئول فرهنگی که در روز خبرنگار درخواست اخراج خبرنگار را به‌خاطر انتشار انتقاد داشت. بعضی تبریک‌ها، فقط تبریک بود یا همراه با یک کارت و شاخه‌گل یا یک جعبه شیرینی، خوشحال می‌شدی که یاد آدم هستند، مثل کسانی که در طول سال با آنها در ارتباطی، مثل دوستان و آشنایان. در مقابل بعضی از تبریک‌ها می‌ماندی چه‌کار باید کرد؛ مانند همان تبریک‌ی که خبرنگاری را با کار خانم‌هایی که در هنگام سبزی پاک‌کردن به ردوبدل کردن اطلاعات مشغول بودند. بعضی از تبریک‌ها دل‌وجانت را خراش می‌داد؛ مثل تبریک دوستان

همکاری که اکنون بنابر شرایط بی‌کار هستند. مثل تبریک همکارانی که ی‌بادآوری می‌کنند چقدر به‌خاطر انتشار اخبار درست با مسئولان بالادست درگیر و دچار مشکل شده‌اند. مثل تبریک همکارانی که سابقه سال‌ها زندان را در کارنامه دارند و اکنون نیز حق نوشتن از آنها دریغ شده است. مثل تبریک کسانی که در گذشت با آنها همکار بودیم و اکنون در آن‌سوی دیوار و خط فکری هستند، هرچند ناگهان حجم زیاد خاطرات خوش گذشته هجوم می‌آورد. مثل تبریک کسانی که میزان حقوق و دریافت‌ات را به رخ می‌کشند؛ همراه با تحقیر و مثل تبریک کسانی که مدام انگ جناحی‌بودن می‌زنند. اما وقتی آرزوهای دوستان و همکاران را مرور می‌کنید، بیشترشان به این نکته اشاره می‌کنند: «آزادی بیان» و البته «آزادی پس از بیان».

# سرتق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۹۷ ۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۹ ۱۴ آگوست ۲۰۱۸ سال پانزدهم شماره ۳۲۲۰ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ اذان مغرب ۲۰:۱۴ اذان صبح فردا ۴:۵۱ طلوع آفتاب ۶:۲۳

#### روزنامه‌فردا

#### کارتون خواب



علی رومانی

aliromani84@gmail.com

نتایج یک نظر سنجی: نیمی از تهرانی ها به کوچ فکر می کنند



#### یک پنجره

## تفاوت حضانت با ولایت

هرکدام از والدین که حضانت کودک را برعهده بگیرد، دیگری می‌تواند در مواعد مشخص کودک را ملاقات کند.

ملاقات با مساده ۴۱ قانون حمایت از خانواده؛ «هرگاه دادگاه تشخیص بدهد که توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت او است یا در صورتی که مسئول حضانت از انجام تکالیف مقرر خودداری کند و یا مانع ملاقات طفل تحت حضانت یا اشخاص ذی‌حق شود، می‌تواند درخصوص اموری از قبیل واگذاری امر حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر یا پیش‌بینی حدود نظارت وی یا رعایت مصلحت طفل تصمیم مقتضی اتخاذ کند.»

برگردیم به سوالات اول متن:

- در فیلم دارکوب موضوع حضانت نبود یا اگر بود، موضوع داده نمی‌شود، به فیلم، مادر به دنبال اثبات ترک مواد و ترمیم سرووضع زندگی‌اش بود. اما حضانت طفل با مادر است. - اگر پدر فوت کند، پدربزرگ پدری ولی قهری است، اما حضانت طفل با مادر است.

- مساده ۱۱۷۰ قانون مدنی می‌گوید: اگر مادری در مدتی که حضانت طفل با اوست مبتلا به جنون شود و یا به دیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود. (البته پدر و مادر می‌توانند توافق کنند که حتی اگر مادر، ازدواج کند، فرزند همچنان تحت حضانت مادر بماند).

#### خبر

## کلاغ‌ها در پارک‌ها

آن‌طور که گاردین گزارش داده، کلاغ‌هایی که برای جمع‌آوری زباله‌های کوچک و ته‌سیگارها در پارک‌ها آموزش دیده‌اند، فعالیت خود را به‌خوبی انجام می‌دهند. کلاغ‌ها که اغلب برای هوش بالای خود ستایش می‌شوند، به‌عنوان جمع‌کننده‌های زباله در پارکی در فرانسه کار می‌کنند. نیکلاس دبلیرس، رئیس این پارک تاریخی، به خبرگزاری فرانسه گفت که یک تیم شامل شش کلاغ آموزش دیده‌اند تا ذره‌های کوچک زباله و سیگار را



بهمن کشاورز  
حقوق‌دان

یکی از مسئولان محترم در سخنرانی خود به مناسبت روز خبرنگار اظهار کردند «غربی‌ها به روسپی‌هایی که حجاب خود را برمی‌دارند، می‌گویند مخالف حجاب اجباری. این واژه‌ها بار معنایی دارد؛ ما نباید از آنها استفاده کنیم». ایشان در قسمت‌های دیگری از سخنرانی خود ضمن اشاره به شکست دشمنان در کلیه جبهه‌ها و جنبه‌ها و پیروزی ایران در این زمینه‌ها تأکید کرده‌اند «رسانه‌ها باید با خلاقیت، ادبیات خود را بسازند...» و بالاخره فرموده‌اند «درحال‌حاضر جنگ، جنگ رسانه‌ای است و نخستین قدم این است که جنگ را حس کنیم، دومین قدم تولید ادبیات و سومین قدم شناخت نقطه‌ضعف‌ها است.» درخصوص بیانات ایشان مواردی گفتنی است:

۱- کسانی مرتکب عملی شده‌اند که بر مبنای

#### نگاه

#### تقدم اعتماد نهادی

#### محمد هدایتی

افزایش نرخ ارز در ماه‌های اخیر بحرانی را تشدید کرد که پیش‌تر هم نشانه‌هایش آشکار شده بود. حالا تورم دارد افسارگسیخته می‌شود، اشتغال پایدار، رؤیایی دور به نظر می‌رسد، وضعیت بازار مسکن نگران‌کننده است و شرایط اقلیمی آشکارا بحرانی شده‌اند. وزیر کشور در مصاحبه‌ای گفته است که آمار‌ها از مهاجرت گسترده به مناطق شمالی کشور سخن می‌گویند. معنای این جمله چیست؟ اینکه بخشی از کشور عملاً غیرقابل زیست می‌شود. این شرایط، علاوه‌بر به‌مخاطره‌افکندن وضعیت عینی مردم، ذهنیت آنها را هم نشانه می‌رود، هراس ایجاد می‌کند و حس ناامنی و امید‌ها را زایل می‌کند؛ امید به ساختن حتی یک زندگی معمولی، امید به آینده، به همین فردا. حالا در این وضعیت برخی جامعه‌شناسان از نوعی «آسپب اجتماعی» سخن می‌گویند؛ از اینکه همه آن چیزهایی که می‌تواند اجتماعی از انسان‌ها را به هم پیوند دهد در حال بی‌اعتبارشدن هستند. چاره کار را هم در افزایش سرمایه اجتماعی یافته‌اند یا به تعبیر بهتر در بازسازی سرمایه اجتماعی که این روز‌ها همه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تا چه حد تحلیل رفته است. بدون سرمایه اجتماعی که عنصر اساسی آن «اعتماد» است کاری نمی‌شود کرد، حتی بهترین برنامه‌ها و پروژه‌ها هم عقیم می‌مانند. اعتماد به دیگری، خواستِ همراهی با او و باورداشتن به اینکه دیگری به دنبال سواری مجانی نیست، اما مکانیسم‌های سازنده سرمایه اجتماعی و این اعتماد کدامند.

بحث سرمایه اجتماعی در ایران از نیمه دوم دهه ۷۰ آغاز شد. برای بسطِ پروژه اصلاحات و تقویت جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی حداقل به‌لحاظ نظری، بسیار مهم محسوب می‌شد. نظریه‌پردازان آن دوره، متأثر از رویکردهای جهانی در زمینه سرمایه اجتماعی، معتقد به نگاهی از پایین به بالا بودند. در این خوانش که متأثر از کار کلاسیک هیلاری پاتنام بود، مشارکت و حضور شهروندان در انجمن‌ها، باشگاه‌ها، احزاب و بنیادهای جامعه مدنی سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کرد؛ سرمایه اجتماعی‌ای که مقوم دموکراتیزاسیون محسوب می‌شد و لازمه آن، آن هم با این استدلال که مشارکت‌هایی از این نوع اعتماد اجتماعی ایجاد می‌کند، نوعی تمرین باهم‌بودگی اجتماعی است و امکان‌های گفت‌وگو، چانه‌زنی و رسیدن به توافق را افزایش می‌دهد. برای سال‌ها این رویکرد، نگاه حاکم در بحث سرمایه اجتماعی بود و شیوه‌های بدیل را در نظر نمی‌گرفت، اما از یک زمانی و به‌ویژه متأثر از کارهای نوروتشان، جامعه‌شناس سوئدی، نگاه دیگری به سرمایه اجتماعی شکل گرفت که آن را نه پدیده‌ای لزوماً اجتماعی که تا حد زیادی سیاسی می‌دید. در این نگاه جدید، سرمایه اجتماعی از بالا ساخته می‌شود. مسئله مهم در اینجاست «اعتماد نهادی» است. تنها در شرایطی که شهروندان به نهادهای عمومی و نهادهای قدرت اعتماد داشته باشند می‌توان از وجود سرمایه اجتماعی سخن گفت. بنابراین اعتماد نهادی به مهم‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی بدل می‌شود. همین اعتماد نهادی است که باعث اشاعه اعتماد در سطح جامعه می‌شود و خود تا حدی می‌تواند به بویایی جامعه مدنی منجر شود.

بدیهی است در شرایط فعلی کشور، در شرایطی که خیلی چیزها دارند از دست می‌روند نیازمند همیاری مردم هستیم؛ نیازمند تقویت سرمایه اجتماعی، اما در چنین شرایطی و با این عملکرد نهادی چگونه می‌توان به افزایش سرمایه اجتماعی خوش‌بین بود، نهادهایی که در اوج بحرانی اقتصاد؛ به‌جای تصمیمات درست و سازنده و درانداختن طرحی نو، کم‌المان به سباق این سال‌ها مغل می‌کنند و عملاً شرایط را بدتر می‌کنند. این بی‌اعتمادی نهادی خود اصلی‌ترین عامل فرسایش سرمایه اجتماعی بوده است.

#### یادداشت

## نباید از کلمات رکیک و دشنام استفاده کرد

در آیه ۱۲۵ سوره النحل فرموده: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» و در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده است: «فِيمَا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَلْمُوكَ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفُسُوا مِّنْ حَوْلِكَ».

۳- نکته جنبی و حاشیه‌ای - که شاید چندان هم جنبی و حاشیه‌ای نباشد- این است که فعلاً آنچه در جامعه مطرح است و اذهان را به خود مشغول داشته و موجب نگرانی همه قشر‌ها و طبقات را فراهم کرده، اختلافات بزرگ اقتصادی و آرزوی، غم نان و آب و بی‌کاری و حیرت و شگفتی از عدم افشا و عدم تعقیب و مجازات خطاکاران و دزدان و منحرفین است به گونه‌ای که مطلب موضوع بحث این مسئول محترم را می‌توان تقریباً- بلکه تحقیقاً- فراموش شده فرض کرد. جای شگفتی است که در این گیرودار، دیگران چیزی که به بونهت فراموشی سپرده شده بود، مطرح می‌شود، آن هم به نحوی که ناچار عکس‌العمل‌هایی را ایجاد خواهد کرد و لاجرم مسائل مهم و حیاتی موجود تا حدی تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت، والله اعلم.

#### هاشور

## درباره کدام هویت اصیل حرف می‌زنیم؟

#### مهزاد الیاسی

برخی از تجار و افراد موفق سیاه‌پوست (بیشتر از نسل دوم) در اواخر دوران قاجار نشان می‌دهد که آنها فارغ از رنگ پوست، به‌واسطه جنسیت خود بیشتر از زنان آفریقایی‌تبار می‌توانستند تحرک اجتماعی داشته باشند. اگرچه باید این نکته را در نظر داشت که بسیاری از زنان و مردان آفریقایی‌تبار که به‌عنوان خدمتکار خانگی، لُله یا دُده کودکان به خانواده‌ای وارد می‌شدند، معمولاً تا آخر عمر با احترام و محبت در آن خانواده جا داشتند. اما چه اتفاقی برای چند هزار برده آفریقایی که در برهه‌ای از زمان در این سرزمین سکنا گزیدند افتاده است؟ آیا آنها ناگهان دسته‌جمعی و چند هزار نفری از ایران غیب شده‌اند؟ حالا کجا هستند؟

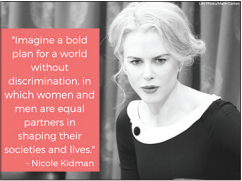
دکتر بهناز میرزایی، استاد تاریخ دانشگاه براک کانادا، که بیش از ۴۰ سال در مورد ایرانی‌های آفریقایی‌تبار مطالعه کرده، در مصاحبه‌ای با نشریه Middle East Eye تخمین می‌زند که حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت جنوب ایران می‌تواند به‌عنوان برده‌ای آفریقایی‌تبار شناخته شود. درست است که برخی شواهد تاریخی قبل از دوران اسلامی به وجود ساکنان سیاه‌پوست خوزستان و استان‌های ساحلی دلالت دارد، اما اغلب سیه‌چرکان جنوب ایران بازمندان آفریقایی هستند که در همان حوالی دروازه‌های ورودی‌شان به ایران سکنا گزیده‌اند. بنابراین تیرکی رنگ تمام ساکنان جنوب ایران برخلاف تصور به دلیل کرما یا آفتاب شدید نیست و البته آنها بازمانده تسلط صدساله پرتغالی‌ها در جنوب ایران نیستند. امروزه ما روستاهای صدرصد سیاه‌پوست و آفریقایی‌تبار در استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر داریم و پرانکندگی گسترده جمعیت آفریقایی‌تبار در استان‌های جنوبی به راحتی قابل مشاهده است. تاریخ نشان می‌دهد که تنها فرانسه مهاجر سیاه‌پوست ندارد. ما هم سیاه‌پوست داشته و هنوز داریم. آنها ایرانی هستند. بیش از دو قرن در این سرزمین زندگی کرده‌اند، با فارس‌ها و دیگر اقوام ایرانی وصلت کرده‌اند، امتزاج، تأثیر و تأثر فرهنگی فراوانی اتفاق افتاده است، ولی هنوز هم رچل سیاسی ما وجودشان را به‌عنوان یک ایرانی به رسمیت نمی‌شناسند.

اگر فرانسه آن‌قدر هوشمند است که جام جهانی را با کمک قوای بدنی آفریقایی‌تبارهایی که تنها دو یا سه نسل در آن کشور زندگی کرده‌اند به خانه می‌برد، ما آن‌قدر هوشمند نبودیم که از قدرت بدنی مردمان سیاه‌پوست ایرانی که قرن‌ها در این مملکت زندگی کرده‌اند در همین زمینه استفاده کنیم. حالا پذیرفتن حق و مهیاکردن امکان عضویت آنها در مشاغل دولتی و رده‌بالا، شورای روستا و شهر، نماینده مجلس، وزیر و رئیس‌جمهورشدن به کنار.

#### پرنده آبی

## کیدمن و دنیای بدون تبعیض

هر دختر و پسری فرصت‌های یکسانی برای به‌دست‌آوردن توانایی خود داشته باشند و در کنار هم برای یک جهان بهتر همکاری کنند» و پرسیده شده: «آیا شما ایده‌ای برای به تبدیل این خواسته به واقعیت در زندگی واقعی دارید؟» در مدت کوتاهی افراد به این درخواست در شبکه‌های اجتماعی پاسخ داده‌اند، ولی برخی از آنان تأکید داشتند که غیر از کمک و همراهی دولت‌ها این خود مردم هستند که باید قدم‌هایی بردارند و به این برابری حقوق و نحوه زندگی اعتقاد داشته باشند.



بخش زنان سازمان ملل پیشنهادی را مطرح کرده است: حرکت به سوی جهانی بدون کلیشه‌های تبعیض جنسیتی. نیکول کیدمن نیز همراه شده است. نیکول کیدمن برای آغاز این حرکت درخواست کرده پیشنهادها

دراین‌باره داده شوند: «دنیایی را بدون تبعیض جنسی تصور کن! دنیایی که زنان و مردان با مشارکت برابر برای شکل‌دادن به جوامع و زندگی خود حرکت می‌کنند»، همان‌طور که سازمان ملل هم تأکید کرده است: «ما به دنبال جهانی هستیم که هر زن و مردی،